

بررسی فقهی ساخت مجسمه و ربات با رویکردی به نظر امام خمینی (س)

داود حسن پورا^۱

چکیده: در مراکز علمی ساخت مجسمه انسان و ربات بنابر مبنا مشهور حرام است و این نظر بر اساس استناد به اطلاق روایات وارده در این باب است. ولی به نظر می‌رسد در اینجا به جهت عدم قابلیت تقیید عرفی شبهه انصراف وجود دارد، یعنی انصراف این روایات به مجسمه‌های پیشین بوده، چون در آن زمان اغراض علمی بر آن مترتب نبوده است؛ بنابراین روایات از این مجسمه‌ها انصراف دارد. چون در آن زمان مجسمه را برای اغراض علمی نمی‌ساختند و توانایی ساخت ربات را نداشتند. ممکن است که بگوییم اسباب بازی اغراض سرگرمی دارد، اما مجسمه‌هایی که برای اغراض علمی ساخته می‌شود روایات از اینها انصراف دارد و یا شبهه انصراف؛ لذا بعید نیست که بگوییم حرام نباشد. در این میان، ققیهانی چون موسوی بجنوردی و منتظری، صاحب دراست فی المکاسب المحرمه، معتقدند که نهی در روایات ناظر به زمانی بوده که هنوز رسوم بت پرستی در افکار مردم بوده و مجسمه‌ها برایشان قداست داشتند، اما در حال حاضر، مردم برای مجسمه‌ها قداستی قائل نیستند و امروزه خداشناسی و پرستش خالق از ضروریات و بدیهیات محسوب می‌شود، قهراً مجسمه‌سازی با این طرز تفکر جامعه حرمتی ندارد؛ بنابراین امروزه ملاکی بر حرمت مجسمه‌سازی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: مجسمه‌سازی، حرمت، امام خمینی، تمثال، تصویر، بت پرستی، صنع بالید.

E-mail: hassanpoor.davood@gmail.com

۱. استادیار دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۱

پژوهشنامه متین/سال بیست و یکم/شماره هشتاد و پنج/زمستان ۱۳۹۸/صص ۱۳-۱

مقدمه

از دیدگاه قرآن و سایر منابع دینی، هنر متعهد آن است که انسان را به سمت یکتاپرستی و ارزش‌های والای انسانی سوق دهد. با مطالعه در تاریخ درمی‌یابیم که هنر ساخت مجسمه‌ها و نقش‌ها، به‌طور معمول در این راستا نبوده و بر همین اساس، مورد نکوهش اسلام واقع شده است. یکی از اموری که فی‌الجمله از مکاسب حرام در اسلام به‌شمار آمده است عمل نقاشی و مجسمه‌سازی است. امروزه، با توجه به تغییر اوضاع و احوال و نیز رویکرد متفاوت هنرمندان این حوزه، برخی فقها، در مورد مجاز بودن مجسمه‌سازی در شرایطی خاص، نظریات جدیدی ارائه نموده‌اند. اما چون این نظریات، هنوز مورد پذیرش تمام فقیهان نیست و برخی از آنان، تغییر شرایط را دلیلی برای از بین رفتن حکم حرمت نمی‌دانند، و از طرفی نمی‌توان به‌گسترش وسیع این هنر نیاندیشید و همچنین در این زمینه نمی‌توان مانع فعالیت‌های محدود و کنترل شده گردید. بنابراین نیاز به تفتیح و تبیین مسئله حرمت مجسمه‌سازی وجود دارد.

از آنجا که این مسئله در زمان‌های مختلف از جمله در عصر حاضر از امور مورد ابتلاست، رسیدگی به آن از اهمیت خاصی برخوردار است. در بین معاصرین خوبی فتوا داده است که نقاشی موجودات ذی روح حرام است (خوبی ۱۴۱۷ ج ۱: ۲۲). امام خمینی هم طبق نظر مشهور معتقدند مجسمه‌سازی حرام است، ولی نقاشی را حرام نمی‌دانند:

اگر فرض شود دستگاهی باشد که بتواند مجسمه بسازد و فقط شخصی کلید این دستگاه را روشن کند، اینگونه تولید مجسمه حرام نخواهد بود زیرا ساختن مجسمه برای این شخص صدق نمی‌کند.^۱ (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۲۷۰).

بحث از این موضوع در دو قسمت انجام گرفته است در قسمت اول، نظر فقهای شیعه که به پنج قول محدود می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. حرمت تصویر به‌طور مطلق (اعم از حیوان و غیر حیوان، مجسمه و نقاشی)؛ ۲. عدم حرمت تصویر مطلقاً (اعم از حیوان و غیر حیوان، مجسمه و نقاشی)؛ ۳. حرمت مجسمه اعم از حیوان و غیر حیوان مطلقاً؛ ۴. حرمت مجسمه و نقاشی جاندار فقط؛ ۵. اختصاص حرمت به ساختن مجسمه حیوان فقط.

در قسمت دوم اقوال مذاهب اربعه اهل سنت ذکر شده است. سپس در مورد حرمت ساختن مجسمه حیوان به ادله فقهای شیعه پرداخته شده است. البته با توجه به عدم وجود دلایل قرآنی و

۱. «فلو فرضت مکینة صنعت لإيجاد المجسمات و باشر أحد لاتصال القوة الکهربائية بها فخرجت لأجلها الصور المجسمة منها، لم يفعل حراما و لم تدل تلك الأدلة علی حرمة، لعدم صدق تصویر الصور و تمثيل المثل علیه»

عدم دلالت عقل بر حرمت «مجسمه‌سازی برای اغراض مفید» قائلین به حرمت فقط به اجماع و روایات تمسک نموده‌اند که هر دو دلیل مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. تمسک به اجماع با توجه به منتفی بودن اجماع محصل و قائل شدن برخی از بزرگان به جواز و نیز مدرکی بودن اجماع مردود شناخته شده است.

با توجه به اینکه عناوین «صورت»، «تصویر» و «مثال و تمثال» در آیات، اخبار و عبارات فقها به کار رفته است پیرامون معانی لغوی و اصطلاحی این کلمات توضیحی داده می‌شود تا با شناخت دقیق موضوع حکم و حدود و قیود آن، به بررسی حکم آن از ادله بپردازیم.

لغت

در قاموس اللغة چنین آمده است که: «تمثال» به کسر تاء یعنی «صورت، مثله له تمثیلاً»؛ او را برای خود تصویر کرد به نحوی که گویا با نگرستن به تمثال خود آن را می‌نگرد و در معنای صورت می‌نویسد: «صورت» با ضمّ صاد یعنی «شکل» و جمع آن «صُور» است (فیروزآبادی ۱۴۱۵ ج ۴: ۶۵). فراهیدی در العین در مورد تمثال آورده است: «مثل» عبارت است از «نظیر» در شکل و اندازه و حتی در معنا. «تمثیل» عبارت است از تصویر نمودن شیء به نحوی که گویا به آن نگرسته می‌شود. «تمثال» اسم است برای چیزی که بر غیر خلقت خود تصویر شده است و مُمَثَّل گردیده است (۱۴۲۴ ج ۸: ۲۲۸). در تاج العروس درباره صورت چنین آمده است: «تصاویر یعنی تمثال‌ها، و صورت با ضمّ یعنی شکل و هیئت» (زبیدی ۱۴۰۴ ج ۷: ۱۱۳) همچنین در صحاح اللغة نیز آمده است تمثال همان صورت است و جمع آن تمائیل است (جوهری ۱۴۰۴ ج ۵: ۱۸۱۶). راغب در المفردات آورده است: تمثال عبارت است از چیزی که به تصویر کشیده شده است و «تمثل کذا»؛ یعنی به آن شکل در آمد. چنانکه خداوند می‌فرماید: «فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»؛ پس روح ما برای مریم به شکل انسانی کامل ظاهر شد. صورت چیزی است که عین به آن منقوش می‌شود (بی تا: ۴۲۸).

از تفسیر «تمثال» و «صورت» در غالب کتب لغت می‌توان نتیجه گرفت که این دو لفظ در مصادیق متحدند هر چند مختصر تغایر مفهومی داشته باشند.

اقوال فقها

فقهای شیعه

اگر چه از ظاهر بعضی عبارات فقها اینگونه استنباط می‌شود که در مورد حرمت ساختن

مجمسه جانداران اتفاق نظر دارند همانطور که در المكاسب المحرمه آمده است که: مسئله چهارم: ساختن مجسمه موجودات جاندار حرام است و در این مسئله اختلافی وجود ندارد.^۱ (انصاری ۱۴۱۵ ج ۱: ۱۸۳)؛ لکن در بیک بررسی دقیق، اختلاف در سعه و ضیق موضوع، ما را به اختلاف گسترده اقوال رهنمون می‌کند و به‌طور کلی می‌توان این اقوال را بر حسب ظاهر عبارات فقها به پنج دسته کلی زیر تقسیم نمود، هر چند خواهیم دید در برخی عبارات، اطلاق و عموم ظاهری اراده نشده و این عبارات منصرف به نوع خاصی از نقاشی و مجسمه است.

اول) حرمت تصویر به طور مطلق اعم از اینکه تصویر حیوان باشد یا غیر حیوان، مجسمه باشد یا نقاشی، چنانکه این قول را علامه حلی از کلام ابن براج و ابوالصلاح حلبی استظهار نموده است (۱۴۱۳ ج ۵: ۱۳).

دوم) عدم حرمت مطلقاً حیوان باشد یا غیر حیوان، مجسمه باشد یا نقاشی، این قول مختار شیخ طوسی در التبیان و طبری در مجمع البیان است. ترجمه عبارت التبیان در تفسیر آیه ۵۱ سوره بقره که درباره داستان گوساله سامری نازل شده چنین است: شما پس از موسی گوساله را برگزیدید در حالی که ظالم بودید این است که آن را به خدایی گرفتید چون به صرف ساختن گوساله ستمگر نمی‌شوند، زیرا که این کار ممنوع نیست؛ بلکه فقط مکروه است و آنچه از پیامبر نقل شده که ایشان صورتگران را لعنت کرده‌اند، مراد حضرت کسانی است که خدا را به مخلوقش تشبیه می‌کنند یا معتقدند که خدا دارای صورت است؛ بنابراین در آیه چیزی مقدر فرض می‌شود مثل اینکه بگوید «اتخذتموه اله» (شیخ طوسی ۱۳۶۵ ج ۱: ۸۵؛ طبری بی تا ج ۱: ۱۹۰).

سوم) حرمت مجسمه اعم از حیوان و غیر حیوان و جواز نقاشی مطلقاً (علامه حلی ۱۴۳۱ ج ۵: ۳۱).

چهارم) حرمت تصویر جاندار فقط، اعم از اینکه به نحو مجسمه باشد یا نقاشی، این قول شیخ انصاری است که آن را به پاره‌ای از فقها نیز نسبت داده است (۱۴۱۵ ج ۱: ۱۸۶).

پنجم) اختصاص حرمت به ساختن مجسمه حیوان فقط، و قول به جواز و کراهت در غیر این مورد، این قولی است که امام خمینی در مکاسب محرمه خود اختیار نموده‌اند: حاصل اینکه از ظاهر این گروه از ادله حرمت ساختن مجسمه‌هایی است که جاندار می‌باشند و در غیر جاندارها نمی‌توان قائل به حرمت شد زیرا ادله فقط منحصر به موجودات جاندار است.^۲ (۱۴۱۵ ج ۱: ۲۶۲؛ الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۵۹).

۱. «المسألة الرابعة: تصویر صور ذوات الارواح حرام اذا كانت الصورة مجسمة بلاخلاف نصاً و فتوی ...»

۲. «والحاصل أنّ الظاهر من تلك الطائفة هو حرمة عمل المجسمة من ذی الروح، لا غیره من سائر الصور المتقدمة، لقصور الأدلة عن إثبات حرمتها.»

فقه‌های اهل سنت

جزیری از فقه‌های اهل سنت معتقد است صورت یا صورت غیر حیوان است همچون خورشید و ماه و درخت یا صورت حیوان، اعم از عاقل و غیر عاقل. قسم اول بالاتفاق جایز است، اما قسم دوم محل خلاف است. ایشان سپس به بیان موارد اختلاف و اقوال می‌پردازد و می‌نویسد: مالکیه می‌گویند: که تصویر با چهار شرط حرام است: اول اینکه صورت حیوان باشد چه عاقل و چه غیر عاقل، دوم اینکه دارای جسد باشد، سوم اینکه اعضایش کامل باشد مگر عضوی که زنده ماندن وابسته به آن نیست، چهارم اینکه سایه داشته باشد. شافعیه نیز در این باره معتقدند تصویر غیر حیوان مثل درختان، کشتی‌ها، خورشید و ماه جایز است، اما تصویر حیوان اعم از عاقل و غیر عاقل جایز نیست. حنابله می‌گویند: تصویر غیر حیوان جایز است، اما تصویر حیوان جایز نیست، مگر اینکه بر زیراندازی که پا می‌خورد یا بر پشتی که تکیه داده می‌شود نقش بسته باشد؛ اما اگر مجسمه باشد در صورتی مباح است که اعضای اصلی را که زندگی حیوان بدون آن‌ها ممکن نیست از بین ببریم. حنفیه می‌گویند: تصویر غیر حیوان جایز است؛ تصویر حیوان نیز اگر بر روی زیرانداز یا بالش یا فرش یا کاغذ و پول باشد جایز است، همچنین در غیر این صورت به شرط ناقص بودن اعضای رئیسه حکم به جواز می‌شود و به هر حال چنانچه «صورت» در مکان محترمی قرار داده شود و اعضایش نیز کامل باشد جایز نخواهد بود (۱۴۱۰ ج ۲: ۴۰-۴۱؛ الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۶۱).

چنانکه ملاحظه شد، هر چهار فرقه در حرمت ساختن مجسمه ذی‌روح اتفاق نظر دارند ولی به نقل از جزیری برخی از فقه‌های اهل سنت بین مجسمه‌های ساخته شده برای غرضی ضروری همچون بازی کودکان دختر و غیر آن قائل شده‌اند و در اولی حکم به جواز کرده‌اند و مستند آن‌ها حدیثی است که دلالت دارد عایشه که در بدو ازدواج با پیامبر کودکی شش ساله بوده اسباب بازی مجسمه داشته و همراه با همبازی‌های خود با آن‌ها بازی می‌کرده است (۱۴۱۰ ج ۲: ۴۰؛ الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۱).

قرطبی نیز از گروهی از علما قول به جواز مطلق مجسمه، اعم از حیوان و غیر حیوان را نقل می‌کند و در این خصوص به فتوای مکی در *هدایة* - و پیش از او نحاس - اشاره می‌کند و مستمسک ایشان را آیات: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ» (سبأ: ۱۳) و «أَتَىٰ أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ» (آل عمران: ۴۹) برمی‌شمرد (۱۳۶۴ ج ۱۴: ۲۷۴؛ الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۱).

ادله فقهای شیعه (قائلین به حرمت) و بررسی آنها

قائلین به این نظر برای اثبات نظر خود به «اجماع» و «روایات» تمسک کرده‌اند که در اینجا به طور جداگانه به بررسی هر یک از آنها می‌پردازیم.

اجماع

باید توجه داشت که اجماع محصل در این مسئله متنفی است. در کلمات قدما نیز ادعای اجماعی در این خصوص نقل نشده است، اما برخی از متأخرین از جمله محقق کرکی، صاحب جواهر، محقق اردبیلی، صاحب ریاض و شیخ انصاری، این ادعا را مطرح کرده‌اند. البته این ادعا با توجه به مخالفت بزرگانی همچون شیخ طوسی (بی تا ج: ۱: ۲۳۶) و طبرسی (بی تا ج: ۱: ۱۰۹) پذیرفتنی نیست (الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۰-۱۶۱).

شیخ طوسی در کتاب تبیان که آخرین کتاب ایشان است طبق گواهی صاحب سرائر، صریحاً فرموده که مجسمه‌سازی حرام نیست بلکه فقط مکروه است.^۱ (۱۳۶۵: ۳۷۰). در ذیل آیه «ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره: ۹۲) شیخ طوسی می‌گوید: ظلم مردم این بود که این مجسمه گوساله را خدا دانستند. و الا صرف ساختن مجسمه گوساله حرام نیست و ظلم نیست. «لان فعل ذلک لیس بمحذور و انما هو مکروه» و سپس می‌گوید: اینکه در روایات داریم «لعن الله المصورین» مراد از مصور، مجسمه‌ساز نیست. مراد از مصور کسی است که «شبه الله بخلقه» خدا را جسم بداند (۱۳۶۵: ۳۷۱). پس با وجود مخالفت دو انسان بزرگ در یک مسئله که یکی شیخ الطائفه، شیخ طوسی است چگونه ما می‌توانیم بگوییم که اجماع وجود دارد و مخالفتی در مسئله نیست؟! وانگهی اجماع در چنین مسئله‌ای که روایات بسیاری به حکم آن پرداخته است، اجماع مدرکی محسوب می‌شود و فاقد اعتبار خواهد بود.

روایات

الف) روایت محمدبن مسلم

«قال سألت ابا عبد الله عليه السلام عن تماثيل الشجر و الشمس و القمر فقال لا بأس ما لم يكن شيئاً من الحيوان» (حر عاملی ۱۱۰۴ ج ۱۷: ۲۹۶)؛ از امام صادق (ع) در مورد تمثال درخت، خورشید و ماه

۱. «لیس بمحذور و انما هو مکروه».

پرسیدم. آن حضرت فرمود: تمثال غیر حیوان مانعی ندارد. سند تمام است و شیخ انصاری دلالت آن را نیز در مقایسه با احادیث دیگر، «اظهر من الكل» معرفی کرده است. مفهومش این است که اگر این مجسمه حیوان باشد «ففيه بأس» - سألت ابا عبد الله عليه السلام عن تماثيل الشجر و الشمس و القمر» اطلاق دارد، امام فرمود اگر حیوان باشد این تمثال «ففيه بأس مطلقاً صنعاً، اقتنائاً». پس ما در مورد صنعتش می‌توانیم به اطلاق این صحیحه تمسک کنیم و بگوییم صنعتش حرام است (انصاری ۱۴۱۵ ج ۱: ۴۸۱).

اشکالات امام خمینی به روایت

اشکال اول

در روایت فوق سؤال روشن و شفاف نیست که آیا سؤال از بازی با تماثيل شجر و شمس و قمر است یا اقتناء و نگهداری از آن‌ها، یا تزئین خانه‌ها با این تماثيل، یا نماز خواندن در مقابل آن‌ها و یا ساختن آنهاست پس می‌شود گفت: این روایت مجمل است و قابل استدلال نیست. ایشان می‌گویند: بلکه ممکن است بگوییم وقتی می‌گوید «سألتُه عن التماثيل» فرض این است که این تماثيل موجود است. حالا در رابطه با این تمثال‌های موجود شده چه کار کنیم؟ نه از حرام یا حلال بودن ایجاد این تماثيل سؤال کند. ماحصل سخن امام خمینی این است که ترک استفصال در موارد حذف متعلق، موجب عموم نیست، چون حذف متعلق موجب اجمال است نه موجب عموم^۱ (۱۴۱۵ ج ۱: ۲۶۳-۲۶۲).

اشکال دوم

مفهوم این حدیث چیست؟ امام^(ع) فرمود: «ان كان شيئاً من الحيوان ففيه بأس»، «ففيه بأس» با کراهت هم می‌سازد. از کجا می‌شود فهمید «ففيه بأس» یعنی بأس تحریمی؟ تعبیر «لا بأس» در نفی کراهت خیلی شایع است. پس ممکن است این روایت اثبات کراهت کند^۲ (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۲۶۳).

توضیح: یک مبنایی در اصول وجود دارد که آیا حذف متعلق مفید عموم است یا نه؟ مثلاً در روایت داریم: «أنها كم عن آنية الذهب و الفضة»: من شما را از ظرف طلا و نقره نهی می‌کنم.

۱. «فلا ظهور فيها رأياً، لعدم معلومية وجه السؤال أولاً، لاحتمال أن يكون السؤال عن اللعب بها... بل يمكن أن يقال: إنَّ السؤال عن التماثيل إنما هو بعد الفراغ عن وجودها، فيكون ظاهراً أو منصرفاً إلى سائر التصرفات فيها».

۲. «فإن استعمال «لا بأس» في نفى المرجوحية و الكراهة شائع».

این عبارت قطعاً یک متعلق محذوفی دارد. چون ظرف طلا و نقره که فعل مکلف نیست تا قابل نهی باشد. پس متعلقش چیست؟ نهی از استعمال ظرف طلا و نقره یا انتفاع از آن‌ها. گاهی انسان چیزی را استعمال نمی‌کند، اما از آن انتفاع می‌برد؛ مانند اینکه شما زیر چراغی که دیگری روشن کرده مطالعه می‌کنید و انتفاع می‌برید، اما استعمال نمی‌کنید. آیا «أنهاکم عن الذهب و الفضة» مراد نهی از استعمال آن است یا انتفاع از آن یا اکل و شرب با آن؟ محقق تبریزی و صدر نظرشان این است که حذف متعلق مفید عموم نیست، بلکه موجب اجمال است امام خمینی نیز با طرح این اشکال نشان دادند که همین نظر را دارند؛ یعنی معتقدند اول باید ببینیم مراد کلام امام در روایت چیست تا بتوانیم اطلاق‌گیری کنیم. براین اساس، در این روایت قائل به اجمال می‌شویم در نتیجه نمی‌توانیم اطلاق‌گیری کنیم. پس نمی‌دانیم متعلقش نگهداری و تزیین منزل است یا مجسمه حیوان یا ساختن مجسمه حیوان؟ ولی ما در مورد نگهداری مجسمه حیوان نص معتبر داریم که حرام نیست به دلیل: صحیحه زرارة از ابی جعفر^(ع)، اشکالی ندارد که مجسمه‌ها در خانه باشند.^۱ (امام خمینی ۱۴۱۵ج: ۱: ۲۹۱).

اشکال سوم

امام خمینی راجع به آن قسمت از سخن شیخ که می‌گوید دلالت بر حرمت نقاشی موجودات ذی روح هم می‌کند: توضیح می‌دهد که شما می‌فرمایید «آن زمان نقاشی خورشید و ماه بود، ساخت مجسمه خورشید و ماه متعارف نبود» این حرف درستی نیست. اتفاقاً در تاریخ می‌گویند یک مجسمه‌های کوچکی از ماه یا خورشید در منازل خودشان درست می‌کردند. و تمثال هم که در روایت آمده یعنی مجسمه. چون تمثال با صورت فرق می‌کند. تمثال یعنی آنکه از ابعاد مختلف یک شیء را نشان بدهد. و این در مورد مجسمه است که ابعاد مختلف را نشان می‌دهد (۱۴۱۵ج: ۱: ۲۶۴-۲۶۳).

امام در ادامه می‌گوید: اگر کسی بگوید، ذیل این روایت که فرمود: «تمثال حیوان جایز نیست و اطلاقش شامل نقاشی هم می‌شود» اطلاق دارد. ما به او خواهیم گفت: که این صحیحه در مقام بیان عقد مستثنی نبوده، بلکه در مقام بیان عقد مستثنی منه بوده است. «لابأس ما لم یکن شیئاً من الحيوان...» در مقام بیان نیست که ما بخواهیم اطلاق‌گیری کنیم؛ حتی اگر تمثال هم شامل نقاشی بشود^۲ (۱۴۱۵ج: ۱: ۲۶۳).

۱. صحیحه زرارة عن ابی جعفر^(ع) قال: «لا بأس بأن تكون التماثيل فی البيوت».

۲. «وعدم الإطلاق فی ذیلهما ثالثاً، لأن تماثيل الشجر لو اقتصت بالمجسمات فإثبات البأس فی الحيوان أيضاً كذلك، ولو ←

ب) مرسله اصبح بن نباته

روایت دوم، روایت محاسن است: «أحمد بن محمد بن عیسی عن محمد بن سنان عن أبي الجارود عن الأصبح بن نباته قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: «من جدد قبراً أو مثل مثلاً فقد خرج من الإسلام»؛ احمد بن محمد بن خالد برقی از پدرش محمد بن خالد برقی که هر دو از ثقات هستند از محمد بن سنان؛ ولی در محمد بن سنان محل اختلاف است که آیا محمد بن سنان ثقة است، همان طور که شبیری زنجانی معتقد است، و یا ثقة نیست همان طور که خوبی قائل است. چون محمد بن سنان تضعیف دارد؛ ولی آقای شبیری زنجانی می گوید این تضعیف‌ها، تضعیف‌های اجتهادی و ناشی از شبهه غلو در محمد بن سنان است؛ ولی باید گفت ظاهر تضعیف، یعنی نفی وثاقت او (۱۴۱۹ ج ۴۱: ۲۷۴؛ شهیدی پور زنجانی ۱۳۹۶: ۵۶).

اگر محمد بن سنان را هم درست کنیم بعد دارد عن ابی الجارود، یعنی رئیس زیدیه جارودیه. اگر او را هم درست کنیم به نحوی که خوبی درست کرده است، اما ابی الجارود از اصبح بن نباته نقل می کند. حال سؤال این است چگونه می تواند محمد بن سنان با یک واسطه از اصبح بن نباته صحابی امیرالمؤمنین نقل روایت کند؟ پس این سند مشتمل بر این ارسال است (شهیدی پور زنجانی ۱۳۹۶: ۵۶).

اشکال: امام خمینی اشکال می کند که از قرینه مناسبت حکم و موضوع به دست می آید که منظور این روایات مجسمه سازی یا نقاشی صرف نیست؛ زیرا وعده های عذاب و هشدارهایی که در آنها آمده، آنقدر شدید است که با کاری همچون مطلق مجسمه سازی یا نقاشی سازگار نیست بدیهی است که مجسمه سازی از نظر شدت قبح از کشتن ناحق انسان، لواط و شراب خواری بالاتر نیست، بنابراین به نظر می رسد مقصود از مجسمه سازی در این روایت، مجسمه هایی است که به عنوان بت ساخته شده و مردم آنها را می پرستیده اند (۱۴۱۵ ج ۱: ۲۵۸-۲۵۷).

استظهار حرمت مجسمه به عنوان بت سازی

امام خمینی می گوید: به نظر ما این روایت و یک سری روایاتی که شبیه آن است، راجع به بت سازی، مجسمه بت ساختن وارد شده؛ زیرا محتمل نیست آن شخصی که آدم برفی مثلاً درست می کند، عروسک یا شکل کبوتر درست می کند و یا نقاشی یک کبوتر را می کشد بگویم از اسلام خارج شده است؛ یعنی از قتل نفس محترمه یا زنا و افعال شنیع دیگر

گناهش بیشتر است؟ یعنی از زنا و افعال شنیع دیگر، گناهش بیشتر است؟^{۱۴} (۱۴۱۵ ج ۱: ۲۵۸-۲۵۷؛ شهیدی پور زنجانی ۱۳۹۶: ۵۶). این روایت نشان می‌دهد که راجع به بت ساختن است و شبیه روایت فوق را هم داریم.

در رسالة لب اللباب قطب راوندی آمده است که: «من سحر فقد كذب على الله و من صور التصاویر فقد ضاد الله»: کسی که تمثال تصویر کند دشمنی با خدا کرده است (نوری ۱۴۱۷ ج ۳۱: ۱۲). در منية المرید هم شهید ثانی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «اشد الناس عذاباً يوم القيامة رجل قتل نبياً أو قتله نبی و رجل یضل الناس بغير علم او مصور یصور التماثیل» در روایات دیگر دارد: «اشد الناس عذاباً يوم القيامة المصورون» (طباطبایی بروجردی ۱۴۲۹ ج ۲۲: ۶۵۴؛ شهیدی پور زنجانی ۱۳۹۶: ۵۷). یکی از این چهار گروه کسی است که یصور التماثیل است.

امام خمینی می‌گوید: استظهار ما این است که این روایات ناظر به مجسمه‌هایی بوده است که به عنوان بت مورد پرستش قرار می‌گرفته است.

بعد ایشان می‌گوید: یک دسته از روایاتی داریم مثلاً ابن القداح عن أبي عبد الله - علیه السلام- قال: «قال أمير المؤمنين - عليه السلام-: بعثني رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم في هدم القبور و كسر الصور» کسر صور یعنی شکستن بت‌ها و الا مطلب آنقدر مهم نبوده که پیامبر اکرم او را بفرستد برای شکستن مجسمه‌هایی که بچه‌ها با آن بازی می‌کردند (۱۴۱۵ ج ۱: ۲۵۸؛ شهیدی پور زنجانی ۱۳۹۶: ۵۷).

نتیجه: به‌رحال امام می‌گوید: ما معتقدیم از این‌گونه روایات نمی‌توان بر حرمت مجسمه‌سازی استدلال کرد چون این روایات مربوط به حرمت مجسمه‌سازی بت‌ها بوده است. بله آن بت‌هایی که برای عبادت ساخته می‌شوند، ساختن و نگهداریش هر دو حرام است، (شهیدی پور زنجانی ۱۳۹۶: ۵۷). بنابراین هم در سند این روایات اشکال وجود دارد هم احتمال دارد از «المصورون» معنای دیگری را لحاظ کنیم یعنی کسانی که قائل هستند خداوند صورت دارد و خدا جسم است شاید معنای روایات این باشد همان‌طور که امام گفته‌اند. پس به این روایات هم، بر حرمت مجسمه‌سازی نمی‌توان استدلال کرد. چون مراد از مصوره مشبهه است. یعنی کسی که برای خدا شبیه قائل است یا خدا را شبیه به مخلوقات و دارای اعضا و جوارح می‌داند^۲ (۱۴۱۵ ج ۱: ۲۶۰).

۱. «فإن تلك التوعيدات والتشديدات لاتناسب مطلق عمل المجسمة أو تنقيش الصور، ضرورة أن عملها لا يكون أعظم من قتل النفس المحترمة أو الزنا أو اللواط أو شرب الخمر و غيرها من الكبائر».

۲. «و بالجمله، لا تستفاد من تلك الروایات حرمة مطلق المجسمات فضلاً عن غيرها، بل هي مربوطة ظاهراً بعمل ←

ج) روایت دال بر حرمت مجسمه‌سازی

مؤتقه ابی بصیر را هم محاسن برقی و هم کلینی نقل می‌کنند. در نقل کلینی علی بن حمزه بطائنی از ابی بصیر نقل می‌کند (کلینی ۱۴۰۷ ج ۶: ۶۲۵). اما در محاسن برقی، سند تمام است. «عن ابیه عن عثمان بن عیسی عن سماعه عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و اله أتانی جبرئیل و قال: یا محمد، ان ربک یقرئک السلام و ینهی عن تزویق البیوت. فقلت: و ما تزویق البیوت، فقال: تصاویر التماثیل» (۱۳۷۱ ج ۲: ۵۱۶). دلالت: این روایات راجع به تزویق البیوت یعنی تناسبش با نگهداری مجسمه است و در مورد ساختن مجسمه سخن نمی‌گوید. و در این روایت، بین مجسمه و نقاشی و بین ذی‌روح و غیر ذی روح تفصیل داده نشده است. درحالی که کسی قائل به حرمت مجسمه و نقاشی غیر ذی‌روح نشده است؛ بنابراین روایت از این جهت مجمل است.

د) روایت نفخ

این روایات به صورت مستفیض از طریق فریقین نقل شده‌اند و غالباً سندشان ضعیف است؛ ولی از کثرتشان می‌توان به صدور برخی از آنها علم اجمالی پیدا کرد. برخی از این احادیث به قرار ذیل است:

امام صادق^(ع) فرموده است: «ثلاثة یعذبون یوم القيامة: من صور صورة من الحيوان یعذب حتی ینفخ فیها...» یکی از سه گروهی که در روز قیامت عذاب می‌شوند کسانی هستند که حیوانی را به تصویر کشند... (الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۳).

از امیرالمؤمنین^(ع) نقل شده است که فرمود: پیامبر خدا از تصاویر نهی کرد و فرمود: «من صور صورة کلفه الله یوم القيامة ان ینفخ فیها و لیس بنافخ»: هر کس صورتی را ایجاد کند روز قیامت مکلف به نفخ روح در آن خواهد شد درحالی که قادر به این کار نخواهد بود (الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۳).

از امام باقر^(ع) نقل شده است: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ هُمُ الْمُصَوِّرُونَ يُكَلَّفُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَنْفُخُوا فِيهَا الرُّوحَ»: اذیت کنندگان خدا و پیامبر^(ص) بر همان تصویر گراند که در روز قیامت مکلف به نفخ روح در تصاویر خواهند شد (حر عاملی ۱۱۰۴ ج ۳: ۵۶۲).

سند: اکثر این روایات از حیث سند دچار ضعف هستند و به همین جهت خوبی در مصباح‌الفقاهه پس از ذکر این روایات می‌گوید: ولی با وجود کثرت، این روایات از حیث سند

ضعیف هستند و ضعف آن‌ها با چیزی جبران نمی‌شود پس شایسته مورد استناد قرار گرفتن در حکم شرعی نیستند (الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۳).

البته در سند برخی از آن‌ها از اصحاب اجماع وجود دارد و چنانچه این مبنا را بپذیریم که وجود اصحاب اجماع در سلسله سند موجب تصحیح آن خواهد بود، خصوص این روایات، معتبر تلقی خواهد شد. گرچه از کثرت این روایات که از طریق فریقین نقل شده‌اند نیز می‌توان به صدور مضمون بعضی از آن‌ها از معصوم پیدا کرد و لذا برخی از بزرگان قائل به تواتر اجمالی این اخبار شده‌اند به این معنا که اجمالاً علم به صدور بعضی از آن‌ها از ائمه^(ع) وجود دارد (الهامی ۱۳۸۱: ۱۶۳).

نتیجه‌گیری

نظر نهایی امام این است که با بررسی مجموع روایات، ساخت مجسمه‌های دارای روح حرام است؛ ولی در عصر صدور این روایات متداول بوده که نقاشی و مجسمه‌سازی مستقیماً با کمک دست و قدرت آفرینش نقاش و پیکرتراش و بدون کمک گرفتن از ابزار آلات و قالب‌های ویژه فراهم می‌شده است. بنابراین ظاهر این روایات ناظر به مواردی است که نقاشی و مجسمه مستقیماً به دست نقاش و پیکرتراش فراهم شده باشد و قید مباشرت شرط حرمت است؛ زیرا از ظاهر روایت (من مثل صورة او مثلاً) چنین به دست می‌آید که خود شخص با قدرت و دانش خود، نقاشی بکشد یا مجسمه‌ای را بتراشد. حکمت ممنوعیت مجسمه‌سازی تنها در جایی تحقق دارد که مجسمه با مباشرت ایجاد گردد نه با وساطت دستگاه‌های برقی و در حکم تصاویری که با دستگاه‌های عکاسی و نقاشی ظاهر می‌گردد.

منابع

- الهامی، رضا. (زمستان ۱۳۸۱) «بررسی حکم فقهی مجسمه‌سازی» مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۲، صص ۱۷۷-۱۵۵.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۱۵ق) *المکاسب المحرمه*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق) *المکاسب المحرمه*، تبریز: چاپ سنگی.
- برقی، ابوجعفر. (۱۳۷۱ق) *المحاسن*، بی‌جا: دارالکتب الاسلامیه.
- جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۱۰ق) *الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت عليهم السلام*، بیروت: بی‌نا.
- جوهری، اسماعیل بن جماد. (۱۴۰۴ق) *صحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*، بیروت: بی‌نا.

- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۱۰۴ق) **وسائل الشیعه**، تهران: مکتب الاسلامیه.
- خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۷ق) **مصباح الفقاهه**، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام خوئی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی تا) **معجم مفردات الفاظ القرآن**، بی جا: دارالکتب العلمیه.
- زبیدی، سید محمد مرتضی حسین. (۱۴۰۴ق) **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: بی نا.
- شبیری زنجانی، موسی. (۱۴۱۹ق) **کتاب تکاح**، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
- شهیدی پور زنجانی، محمدتقی (۱۳۹۶) **آرشیو دروس خارج فقه آیت الله شیخ محمدتقی شهیدی پور زنجان (۹۵-۹۶)**، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، نشر دیجیتال.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. (بی تا) **التبیان**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
- طباطبایی بروجردی، حسین طباطبایی. (۱۴۲۹ق) **جامع الاحادیث شیعه**، تهران: فرهنگ سبز.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. (بی تا) **مجمع البیان**، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق) **مختلف الشیعه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۲۴ق) **العین**، قم: بی نا.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق) **القاموس المحیط**، بیروت: بی نا.
- قرطبی، محمد بن احمد انصاری. (۱۳۶۴) **الجامع الاحکام القرآن**، بیروت: بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق) **کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۱۷ق) **مستدرک الوسائل**، قم: مؤسسه آل البيت.